



چرا تلاشها برای ریشه کنی ناهنجاری های اجتماعی بی نتیجه هستند/ آثار عدم پیشرفت علوم انسانی در جامعه

یک استاد دانشگاه گفت: هنوز علوم انسانی پیشرفته و آگاهی و تربیت لازم روزگار خودمان را نداریم و از اینجاست که ما هنوز مدیریت علمی و نهادهای لازم چنین مدیریتی را جدی نمی گیریم.

یک استاد دانشگاه گفت: هنوز علوم انسانی پیشرفته و آگاهی و تربیت لازم روزگار خودمان را نداریم و از اینجاست که ما هنوز مدیریت علمی و نهادهای لازم چنین مدیریتی را جدی نمی گیریم. هنوز مدیریتهای ما، سلیقه ای است و هر دولتی به سلیقه خود می برد و می دوزد و هر دولتی هم که بر سر کار آید از همان آغاز، مخالفانش برای او مشکل می آفریند. مصاحبه خبرنگار مهر با دکتر سیدیحیی یثربی درباره اینکه چرا تلاش های ما بی نتیجه اند؟! در پی می آید:

*** چرا با اینکه در این مملکت این همه سازمان و موسسه داریم و این همه نیرو مشغول کارند، هنوز هم برخی ناهنجاری ها در جامعه ما نه تنها رواج دارند بلکه روبه رشد هم هستند. با اینکه اساس نظام ما تقوا و پرهیز است و با این همه امکانات که داریم و هزینه ای که می کنیم چرا این همه تخلف، رانت خواری، اعتیاد، قاچاق، گرانی، تورم، اختلاس، رشوه، ربا، فساد و فحشا در جامعه ما گسترش می یابد؟**

**** این پرسش یک پرسش بنیادین و در عین حال همگانی مردم جامعه ماست که چرا حرکت ما بی برکت است و تلاش ما بی نتیجه؟ مثلاً این همه برای مبارزه با قاچاق و اعتیاد هزینه می کنیم و این همه نیرو را به کار می گیریم؛ با این وصف روزه روز اعتیاد و قاچاق در جامعه ما بیشتر رواج می یابد و به مسئله پیچیده تری تبدیل می شود. باید بگویم که این پرسش در جامعه ما چندین پاسخ دارد که من به چند مورد از این پاسخ ها اشاره می کنم:**

1- پاسخ جناحی. جناح های فعال در کشور ما هریک بر آن می کوشند گناه را بر گردن جناح دیگر بیاندازند. هر دولتی دولت پیشین را مقصر اصلی همه خرابکاری ها می شمارد. کافی است که همین چند دولت سالهای اخیر را در نظر بگیریم که چگونه همه خطاها را به گردن دولت پیش از خود می افکنند. البته در اوایل انقلاب همه گناه ها را از رژیم فاسد شاهنشاهی می دانستیم که مملکت را ویران کرده بود اما چون از پیروزی انقلاب فاصله گرفتیم بر آن کوشیدیم که از طرفی دولتهای خارجی و از طرف دیگر مدیریتهای داخلی را گناهکار قلمداد کنیم. و از این کار به عنوان یک ابزار تبلیغاتی بهره بگیریم. یعنی هر جناحی با انتقاد از جناح دیگر، توجه مردم را جلب می کند و پس از آنکه به قدرت رسید، همه گناه ها را به گردن دولت پیشین می افکند. البته این کار خاصیت طبیعی جامعه ای است که در آن به جای رابطه دولت-ملت، رابطه دولت-ضد دولت (اپوزسیون) برقرار باشد.

-پاسخ مردم عادی. مردم عادی سرچشمه مشکلات مملکت را دو چیز می دانند: یکی اینکه مدیران مملکت کار بلد نیستند و نمی توانند مملکت را اداره کنند. دیگر این که مدیران مملکت افرادی جاه طلب و دنیا دوستند که تنها هدفشان پرکردن جیب خودشان است. و اینها شیوه زندگی مدیران را شاهد درستی سخن خود می دانند. بی تردید کمتر کسی است که از مدیران این مملکت باشد اما زندگی زاهدانه ای داشته باشد و بنا به سفارش علی(ع) زندگی اش را در سطح طبقه محروم جامعه نگه دارد.

3- پاسخ من. اما به نظر من مشکلات مملکت ما از اینجا سرچشمه دارد که ما هنوز علوم انسانی پیشرفته و آگاهی و تربیت لازم روزگار خودمان را نداریم و از اینجاست که ما هنوز مدیریت علمی و نهادهای لازم چنین مدیریتی را جدی نمی گیریم. هنوز مدیریتهای ما، سلیقه ای است و هر دولتی به سلیقه خود می برد و می دوزد و هر دولتی هم که بر سر کار آید از همان آغاز، مخالفانش برای او مشکل می آفرینند و سرانجام روزی همه گناه ها را به گردن او خواهند افکند. چنین وضعی نتیجه آن است که ما در جهان امروز زندگی می کنیم اما هنوز به قواعد و قوانین جهان امروز باور نداریم. تا ما مدیریت خود را علمی نکنیم و تدبیر کارها را بر قوانین علمی امروز استوار نسازیم، همین مشکلات را خواهیم داشت یعنی از تلاش خود کمتر نتیجه می گیریم و به هدف های خود به آسانی نمی رسیم.

*** به نظر شما برای رهایی از این مشکلات، از کجا باید آغاز کنیم؟**

**** ما باید مدیریت علمی کشور را با نهادهای لازم آن، جدی بگیریم. برای رسیدن به این هدف، یعنی برای داشتن مدیریت علمی و نهادهای لازم آن باید مراحل زیر با دقت پشت سر بگذاریم:**

در مرحله اول دستکم دو جمعیت یا حزب سیاسی به معنی درست و امروزی کلمه، که شرایط زیر را داشته باشند، ضروری است.
الف- هر دو به یک درجه، پایبند اصول بنیادین جامعه و قانون اساسی باشند.
ب- هر دو حزب، یک برنامه کلان علمی و قابل اجرا را در جهت تامین منافع کشور، پذیرفته باشند.
ج- اختلاف این دو حزب، تنها در راه و روش رسیدن به هدفهای آن برنامه کلان علمی باشد و رقابتی که با یکدیگر دارند، رقابتی باشد در جهت اجرای بهتر این برنامه.

د-این دو حزب یکدیگر را مشروع و قانونی بدانند و به یکدیگر، فرصت فعالیت برابر بدهند. هر دو حزب به نوبه خود، حق حاکمیت داشته باشند و به مدیریت جامعه، بپردازند.

ه-هر دو حزب از جریان کار یکدیگر باخبر باشند و مدام به نظارت دقیق و اظهار نظر علمی و کارشناسانه، بپردازند.

در مرحله بعدی برآن کوشیم تا فکر و فرهنگ خودکامه گذشته را از یاد ببریم و همگی در برابر دانش و تخصص تسلیم شویم. در جامعه ما تخصص را با دو دلیل، نادیده می گیرند و حتی زیر پا می گذارند. یکی به دلیل اهمیت دادن به تعهد که مثلاً فلان کس اگرچه تخصص ندارد اما تعهد دارد. بی تردید آنچه اساس شایستگی برای مدیریت است، تخصص است و بس! اما تعهد مانند عقل و بلوغ از شرایط عمومی مدیریت به شمار می روند. چنانکه هر عاقل و بالغی را به دلیل عقل و بلوغ نمی توان به هر شغلی گمارد هر متعهدی را نیز نمی توان تنها به دلیل تعهد و وفاداری، به مدیریت منصوب کرد.

دلیل دوم توجه به زیرکی افراد است. در جامعه‌های پیچیده‌ی امروزی عامل اصلی، تخصص و تدبیر است و از زیرکی و تسخیر، کاری بر نمی‌آید. مثلاً در دوران گذشته، اگر نادرشاه ایران را می‌گرفت و به جای صفویه بر تخت می‌نشست، مسأله تمام بود و تدبیر جامعه مطرح نبود. زیرا جامعه یک روال ساده و عادی داشت و جامعه‌های مختلف کاملاً با یکدیگر شبیه بودند و آسمان و زمین همه جا یک رنگ داشت.

در تاریخ گذشته ما اما آسمان و زمین در هر یک از جامعه‌های تدبیری و تخصصی امروز، رنگ خاص خود را دارد. یک نفر را اگر از یمن بر دارند و با نیروی غیبی بر کشور آلمان مسلط کنند، آن شخص باید از همان نیروی غیبی بخواهد که اطلاعات و عوامل و نهادهای لازم برای تدبیر آن جامعه را نیز به او بدهد و گرنه با تسخیر جامعه کاری از پیش نخواهد رفت! زیرا هر قدر میزان زیرکی، تحرک و توانایی‌های یک شخص بالا باشد، باز هم برای تدبیر اقتصاد، فرهنگ، سیاست خارجی و هزاران مسأله‌ی پیچیده‌ی آلمان کافی نخواهد بود.

در مرحله سوم ما باید به جای گزینش و اعتماد به افراد، نظارت را تقویت کنیم و به مردم و سازمانهای مربوط، هرچه بیشتر امکان دهیم که در روند کارها، دقت کنند و رفتار مسئولان را زیر نظر بگیرند. اگر نظارت به موقع و جدی در کار باشد، بسیاری از حوادث ناگوار و ویرانگر اتفاق نمی افتند. اما صد افسوس که ما به بهانه های مختلف، مسئله نظارت را بسیار کم رنگ کرده ایم. صدا و سیما، انتقاد را تحمل نمی کند و منتقدان را به خود راه نمی دهد. رسانه های ما مخصوصاً صدا و سیما با تمام وسعتش وارد مسائل جدی نمی گردد، اطلاع رسانی دقیق نمی کند. به رشد آگاهی سیاسی مردم جامعه، یاری نمی رساند و همینطور هر دولتی بر آن می کوشد تا او را بستایند و حتی آمارها را به دلخواه او اعلام کنند و از او ا ایراد نگیرند.

در مرحله چهارم ما باید همگی احساس مسئولیت کنیم. رسول خدا(ص) می فرماید همه شما نقش سرپرستی مردم را دارید و همه شما در برابر کاری که درباره مردم انجام می دهید، باید پاسخگو باشید. بنابراین نباید عده ای در برابر مشکلات مملکت، احساس مسئولیت نکنند و به سادگی گناه را به گردن دیگران بیاندازند. بنابراین اگر در این مملکت، مشکلاتی پیش آمده و پیشرفتی در کارها حاصل نشده است، همگی ما در این عقب ماندگی و مشکلات مسئولیم و باید به موقع اقدام می کردیم.